

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۲ جنوری ۲۰۱۷

## "غائله" آذربایجان یا سرکوب نهضت ملی و دموکراتیک مردم ایران

### در هفتاد سال پیش

اعتبار نامه پیشه وری که نماینده اول مردم تبریز در انتخابات مجلس چهاردهم بود با دسیسه ارتجاع و نمایندگان فنودالها رد شد. وی در سخنرانی خویش در باره بهداشت بزرگترین شهر آذربایجان گفت: "وقتی که من به تبریز وارد شدم، دیدم برای هر بیمارستانی که در تبریز است، برای هر بیمارستانی سی هزار تومان تقاضا کرده بودند و چهارده هزار تومان تصویب شد. در صورتی که برای مریضخانه پنجاه تختخوابی که حساب کردیم، برای هر بیماری که یک تومان حساب شود، پنجاه و پنج هزار تومان خرج آن می‌شود و نسبت به آن چهارده هزار تومان که حساب کردند، نسبت به هر بیماری دو ریال می‌رسد. این را شما حساب کنید. پنجاه و پنج هزار تومان بودجه بهداری تبریز است. این را که ما حساب کردیم برای اهالی آذربایجان و قسمت کردیم ببینیم برای هر نفر چقدر خرج می‌شود، دیدیم به هر نفری به قیمت یک سیگار هم نمی‌شود. این دو مریضخانه امروز تعطیل است. مریض هم نمی‌تواند منتظر باشد."

وی در باره آموزش و پرورش آذربایجان افزود: "الان در تبریز از تمام دبستانها و دبیرستانهایی که هست، فقط شش تا دولتی است و بقیه اش ملی است. بنده رفتم دیدم آن اطفاهایی که بچه‌ها در آن درس می‌خوانند. شما اسبتان را نمی‌بندید. برای این که این قدر خراب است که اطمینان نمی‌شود کسی آنجا باشد. به آموزگار هم ماهی سی تومان حقوق می‌دهند. یک آموزگاری که ماهی سی تومان یا چهل تومان حقوق می‌گیرد، چطور می‌تواند بچه‌های شما را درس بدهد و تعلیم بدهد. و شما هم مدعی هستید که ما داریم تعلیمات عمومی را اجراء می‌کنیم. برای تمام آذربایجان یک دبستان فقط از محل اعتبار تعلیمات عمومی در نظر گرفته شده است. آن وقت شما حساب کنید ببینید در عرض چند سال با این ترتیب می‌توانید این کار انجام بدهید."

وی در همان سخنرانی در باره وضعیت کشاورزی و دامداری آذربایجان اضافه کرد: "بنده رفتم اداره کشاورزی آذربایجان را دیدم. میزها تمام مرتب است. ماشین نویس مرتب دارد. ولی از این اداره کشاورزی نمی‌توانید اطلاع پیدا کنید که چند گوسفند در آذربایجان است و برای اصلاح نژاد حیوانات، برای اصلاح فلاحت باغبانی، برای این میوه‌ای که در آذربایجان از طلا هم قیمت‌اش بیشتر است و می‌شود به حد وفور تهیه کرد و برای این قبیل چیزها کاری نمی‌شود. یک دستگاه بزرگی است از میز و صندلی. ولی کار نیست. اینست که می‌گویند ادارات ما کار نمی‌کنند."

پیشه وری در مقابل این اجحافات حکومت ضد ملی محمد رضا پهلوی که نفت ایران را در واقع مجانی به انگلستان داده بود، دست به اعتراض و افشاءگری زد و زمانی که حتی مجلس دست نشانده شاه حاضر نشد به شکایات مردم آذربایجان رسیدگی کند، راه دیگری باقی نماند تا با تکیه بر مردم و نیروی مسلح آنها حقوق از دست رفته آنها را به کف آورد.

فرقه دموکرات آذربایجان در ۱۲ شهریور [سنبله] ۱۳۲۴ در تبریز اعلام موجودیت نمود. این حزب با انتشار بیانیه‌ای ۱۲ ماده‌ای به زبانهای ترکی و فارسی به رهبری جعفر پیشه‌وری (جعفر جوادزاده) و همراهی چندین فعال سیاسی آذربایجانی دیگر تشکیل شد. اختیارات گسترده‌تر محلی از لحاظ اداری، تدریس زبان ترکی در مدارس در کنار زبان فارسی و اصلاحات ارضی و اقتصادی از جمله مهمترین خواسته‌هایی بود که به عنوان اهداف و خواسته‌های این تشکل جدید سیاسی عنوان شده بود. جعفر پیشه‌وری (۱۲۷۲-۱۳۲۶) سیاستمدار، روزنامه‌نگار و انقلابی کمونیست ایرانی بود که برای دموکراسی در ایران و نه تنها در آذربایجان سالها جنگیده و در گیلان کمیسر امور داخله جمهوری شورائی گیلان بود. وی خواست آزادی ایران را در سرلوحه برنامه خویش قرار داده بود. وی از بنیانگذاران و عضو کمیته مرکزی حزب عدالت در باکو، از مؤسسان حزب کمونیست ایران در نخستین کنگره آن و دبیر مسؤل تشکیلات این حزب در تهران بود. پیشه‌وری در باکو سردبیر روزنامه دوزبانه ترکی آذربایجانی - فارسی "حریت" را به عهده داشت و در همانجا برای آزادی ایران و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک در ایران در میان مهاجران ایرانی در باکو مبارزه می کرد. وی همچنین سردبیر روزنامه کامونیست، بود که در ۱۹۲۰ در رشت منتشر می‌شد و گرداننده اصلی روزنامه حقیقت بود که در ۱۹۲۱-۲۲ در تهران منتشر می‌شد. ارتجاع و فئودالهای آذری و غیر آذری که سالها در حکومتهای ایران بر ضد مصالح ملی ایران به ارتجاع و امپریالیسم خدمت کردند، کوهی از اتهام بر سر پیشه‌وری ریختند و وی را نوکر اجنبی معرفی نمودند. پیشه‌وری این عمال بیگانه را می شناخت و در گام نخست در آذربایجان همین نوکران بیگانه و ارتجاع داخلی آذربایجان را مورد سرکوب قرار داد. ولی هرگز مبارزه ناسیونال شونیستی را جایگزین مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی مجموعه خلقهای ایران نکرد. حکومت دموکراتیک آذربایجان از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تا ۲۱ آذر [قوس] ۱۳۲۵ به مدت یکسال بر سر کار بود و امسال ۱۳۹۵ هفتاد سالگی سرکوب این نهضت دموکراتیک است.

دودمان پهلوی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ یعنی به مدت ۵۳ سال سلطنت کرد. کارنامه حکومت آذربایجان با یکسال حکومت را با سلطنت ۵۳ ساله زمامداری پهلوی مقایسه کنید.

- ۱- رادیوی آذربایجان ایجاد شد که بعدها نیز به کار خود ادامه داد.
- ۲- در تبریز دانشگاهی به نام دانشگاه آذربایجان ایجاد کرد. ساختمان آن ابتداء در شهر بود که در همان سال ساختمان جدید آن در محل فعلی برپا شد.
- ۳- اغلب خیابانهای تبریز با کار شبانه‌روزی آسفالت شده و راه‌های جدیدی احداث گردید.
- ۴- در تبریز لوله‌کشی آب آغاز شد و تبریز قبل از تهران دارای آب لوله‌کشی شد.
- ۵- بهره‌مالکانه را کاهش داد، از غارت قرون وسطائی دهقانان جلوگیری کرد.
- ۶- انجمنهای انتخابی در دهات به وجود آورد که از ۳ تا ۵ نفر نماینده داشتند. این انجمنها قروض دهقانان را چنان قسط بندی کردند که از عهده پرداخت آنها برآیند(فقط طلب خرده مالکان و صاحبان اراضی و مستغلاتی که در آذربایجان باقی مانده و در تهران به اردوی دشمن نپیوسته بودند، قابل پرداخت بود).
- ۷- اصلاحات ارضی را در آذربایجان عملی کرده که قریب ۲۵۰ هزار خانوار دهقانی صاحب زمین شدند.
- ۸- کارخانه پارچه بافی بزرگ به نام ظفر را ساخت.

- ۹- در تمام استان ۸ ساعت کار و یک روز تعطیل در هفته را به تمام کارگاه‌ها و کارخانه‌ها تعمیم داد. (در حالی که در آن ایام تهران و سایر مناطق کارگری فاقد قانون کار بود و مبارزه برای حداقل ساعت کار ادامه داشت.)
- ۱۰- انجمن هنرمندان و هنرپیشگان ایجاد شد و تئاتر ملی احیاء گردید که نمایش آن مورد استقبال شدیدی مردم واقع شد.
- ۱۱- دهها دبستان و دبیرستان (۳۲۵ دبستان و ۸۳ دبیرستان) جدید دایر کرد. ساختمان دبیرستان بزرگ منصور در تبریز در زمان پیشه‌وری ساخته شد.
- ۱۲- در دبستانها و دوره ابتدائی زبان مادری را برقرار کرد و برای تدریس آنها کتاب به زبان آذربایجانی چاپ کرد. زبان فارسی به عنوان زبان دوم در آنها تدریس شد.
- ۱۳- در اثر جلوگیری از احتکار مواد غذایی و بازار سیاه، مواد ضروری مردم به قیمت ارزان یعنی به قیمت نصف آن در تهران فروخته شد.
- ۱۴- با ایجاد ارتش چریکی خلقی امنیت کامل در سطح استان برقرار گردید.
- ۱۵- پیشه‌وری رشوه دادن به مأمورین دولت را خیانت به حقوق عمومی اعلام کرد. برای مرتکبین مجازات سخت قایل شد. به طوریکه شبها کسی مغازه‌های خویش را قفل نمی‌کرد.
- ۱۶- قیمت اجناس مورد نیاز عمومی به طور جدی کنترل می‌شد و احتکار کنندگان سخت مجازات می‌شدند و قیمت کالاهای مورد نیاز عموم ۴۰٪ پائین آمده بود.
- ۱۷- کلینیکهای بهداشتی سیاری تأسیس شده بود که از تبریز به دهات اطراف می‌رفت.
- ۱۸- قانون حداقل بیکاری و حداکثر ساعت کار تصویب و بین کارفرمایان و کارگران قراردادهای دسته جمعی بسته شد.
- ۱۹- برنامه عمومی کار اجراء و قسمت اعظم خیابان‌ها و کوچه‌ها آسفالت و سنگفرش شد.
- ۲۰- برنامه تعلیمات عمومی اجراء و در دهات مدارس باز شد و دانشگاه تبریز با دو دانشکده طب و ادبیات تأسیس گردید.
- و دکتر فروتن در خاطراتش با توجه به مبارزه مترقی مردم آذربایجان نوشت: "برنامه فرقه دموکرات در آغاز برنامه یک حزب دموکراتیک مترقی در ایران بود. مرام آن: حفظ استقلال و آزادی ایران، استقرار آزادیهای دموکراتیک، تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی بر طبق قانون اساسی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان، توسعه تولیدات صنعتی و کشاورزی، مبارزه با بیکاری و غیره همه حاکی از آن بود که فرقه فعالیت خود را درچارچوب تمامیت ارضی ایران آغاز می‌کرد. اما با گذشت زمان، مقامات رهبری لحن و تکیه بیانات خود را بر جدائی آذربایجان از ایران گذاشتند، به قسمی که کنگره خلق آذربایجان، خود را مجلس مؤسسان نامید و از آن مجلس ملی و حکومت ملی بیرون آمد. معذالک تا زمانی که فرقه در ایران فعالیت داشت، هیچ صدائی درباره الحاق آذربایجان ایران به آذربایجان شوروی شنیده نشد. در مهاجرت رهبران فرقه و به تبعیت از آنها کادرها مسأله جدائی آذربایجان شمالی و جنوبی را به میان کشیدند و از یکی شدن این دو سخن می‌گفتند" (صفحه ۴۷ حزب توده در صحنه ایران). این طمع‌ورزی و توسعه طلبی، دست‌آورد خیانت رویزیونیستهای خروشچی بود که در دوران حکومت رویزیونیستها در شوروی میدان جولان پیدا می‌کرد و تا به امروز نیز توسط جانشینان آنها ادامه دارد. ولی دست‌آوردهای دموکراتیک خلق آذربایجان که کینه ارتجاع ایران را برافروخته بود، در یورش وحشیانه ارتجاع و امپریالیسم نابود شدند. ارتجاع آذری و فئودالهای آن سامان، مجدداً به کمک قوای دولتی مرکز، بر سر کار آمدند و دمار از روزگار مردم آذربایجان و همه ایرانیانی که به یاری هموطنانشان رفته بودند، برآوردند. نان در تبریز نایاب شد، فقر سراپای مردم را گرفت و مردم آذربایجان برای کسب نان در سراسر ایران پراکنده شدند. در تهران آذری‌ها، برای امرار معاش آب حوض می‌کشیدند و به با زبان آذری به اجرای نمایش در خیابانها می‌پرداختند تا سد جوع کنند. محمد ناصر صولت قشقائی در کتاب "سالهای بحران" می-

نویسد: "فراموش نمی‌کنم در سال ۱۳۲۶ که ساعد مراغه‌ای (یکی از عوامل استعمار در ایران و از مرتجعان آذری-توفان) آن فراماسونر نوکرسفت نخست وزیر ایران بود، هنرمندان آذربایجان که از تبریز رانده شده بودند، در تهران نمایشاتی به زبان آذربایجان می‌دادند. شهربانی وقت از نمایش آنها به علت اینکه به زبان بیگانه است جلوگیری می‌کند. آنان به نخست وزیر مراجعه می‌کنند. ساعد با این که خود آذربایجانی بود، ولی به اندازه‌ای سرسپرده درگاه استعمار و شاه شده بود که با زیر پا گذاشتن ملیت خود به آنان جواب داده بود. نمایش به زبان بیگانه قدغن است". (تکیه همه جا از توفان).

جنایتی که دربار و امپریالیسم در آذربایجان مرتکب شدند و امروز با جعل تاریخ آنرا طوری دیگری وانمود می‌کنند به قدری فجیع بود که در آن زمان مستر دوگلاس قاضی معروف امریکائی به نقل از همان سند بالا روزی مهمان آقای صولت قشقائی بوده است و در روز چهارشنبه پانزدهم شهریور ماه ۱۳۲۹ پس از گردش و صحبت‌های متفرقه به ذکر خاطره‌ای می‌پردازد که آقای صولت قشقائی آنرا در کتابش چنین توصیف می‌نماید. "یک روز مهمان والا حضرت اشرف بودم، شاه هم تشریف داشتند. در چمن می‌خواستیم ناهار بخوریم، قبلاً من اظهار داشتم وضع آذربایجان بد است و اهالی گرسنه هستند. خواهر شاه مقداری از چمن کند و علف سبز را به هوا پرت کرد، گفت از این بخورند. در این موقع خبر دادند که ناهار حاضر است. دیدم ناهار مفصلی است گفتم، این مال چندین نفر است، ممکن است از زیادی این غذا که هر روز مصرف می‌شود چندین نفر را غذا داد. از این حرف من، این زن بی‌حیا عصبانی شد یک ران بره را کند و پرت کرد جلوی سگش من هم دیگر چیزی نگفتم و غذا را به هر ترتیبی بود تمام کردم و رفتم".

محمد رضا شاه که کوچکترین احساسی نسبت به مردم کشورش نداشت فرمان قتل مردم آذربایجان را صادر کرد. پدر وی رضا خان نیز عامل سرکوب جنبش جنگل در گیلان بود.

رفیق فروتن در خاطرات خویش می‌نویسد: "ارتش شاهنشاهی سلاح سرکوبی مردم بود. همه پس از ایلغار آذربایجان بارها و بارها این سازمان مسلح را آزمودند که چگونه نسبت به مردم بیگانه است و چگونه بی‌محابا به روی مردم آتش می‌گشاید و آنها را مانند برگ خزان بر خاک می‌ریزد.

با ورود ارتش به آذربایجان اثری از فرقه دموکرات برجای نماند. شکست دولت ملی آذربایجان شکستی هولناک برای جنبش دموکراتیک سراسر ایران بود. این حقیقت را نمی‌توان پنهان داشت که با تشکیل فرقه و دولت ملی و رویدادهایی که پس از آن پیش آمد جنبش دموکراتیک ایران اعتلائی بی‌سابقه یافت. چشم‌ها همه به سوی آذربایجان دوخته شده بود. حزب ایران، حزب ملی. صریحاً در ارگان خود "جبهه ملی" حکومت دموکراتیک آذربایجان را بازوی مسلح دموکراسی نامید. اما پس از شکست آذربایجان، احزاب و عناصر ملی دست به توبه و استغفار برداشتند. همانهایی که تا دیروز خطاب به پیشه‌وری می‌گفتند: "پیشه‌وری ما را نجات بده". فردای شکست حکومت ملی آذربایجان آنرا آلت اجرای مقاصد بیگانگان قلمداد کردند و به سب و لعن آن پرداختند. "ملی" یعنی همین! از آن پس تنها حزب توده ایران به دفاع از حکومت دموکراتیک آذربایجان پرداخت و از این دفاع بیمی به دل راه نداد.

این اندیشه ضد دموکراتیک تا به امروز نیز سرپای نمایندگان بورژوازی ملی ایران را گرفته است. در تمام دوران حکومت دکنتر مصدق کوچکترین گامی برای رفع این دروغهای تاریخی و حمایت از خواستهای مردم آذربایجان برداشته نشد.

همین وضعیت و دسیسه‌های امپریالیسم بعد از انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ که ایران استقلال سیاسی خویش را به دست آورد موجب شدند که دشمنان انقلاب و همان کسانی که در نابودی نهضت دموکراتیک خلق آذربایجان دست داشتند، حال برای ایجاد تفرقه و جغرافیای جدیدی در خاورمیانه دست به کار شوند تا با تقویت ناسیونال شونیستهای تجزیه طلب به

نهضت بزرگ دموکراتیک سراسر ایران ضربه جبران ناپذیر وارد کنند. سیاست تجزیه طلبی و ناسیونال شونیستی آذری‌های دست راستی و کردهای تجزیه طلب در خدمت همان اهداف ارتش شاهنشاهی زمان محمد رضا شاه در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ در ۷۰ سال پیش است. راه کسب حقوق دموکراتیک از مبارزه مشترک خلقها و طبقه کارگر یکپارچه ایران به رهبری حزب واحد طبقه کارگر، جبهه واحد خلقهای ایران می‌گذرد. تنها بر این بستر است که می‌توان ایرانی متحد، دموکراتیک، قدرتمند، مستقل و سوسیالیستی با تشدید مبارزه طبقاتی و افشاء همدستان امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع حاکم در ایران به وجود آورد. تنها بر اساس تمایز طبقاتی و نه تمایز قومی و ملیتی می‌توان بر استبداد و دسیسه‌های ارتجاع جهانی و منطقه غلبه کرد. حزب ما مبلغ این راه است و در این متن از مبارزات ملی و دموکراتیک اقوام ایرانی دفاع می‌کند.

تجزیه‌طلبان مضمون مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی نهضت دموکراتیک آذربایجان را که با هدف آزادی ایران انجام می‌شد، نمی‌فهمند و یا نمی‌خواهند به دستور آنکارا و باکو بفهمند. نهضت دموکراتیک آذربایجان در ایران، برای استقرار دموکراسی در سراسر ایران، برای انجام اصلاحات ارضی و ارتقاء سطح آگاهی عمومی و حمایت از منافع ملی ایران مبارزه کرد و مانند انقلاب مشروطیت در راس این مبارزه در کنار حزب توده ایران قرار گرفت. اهمیت نفوذ و دستاوردهای نهضت آذربایجان در آن است که تا به امروز نیز مورد نفرت بورژوازی امپریالیستی و بورژوازی ملی ایران قرار دارد و آنها حاضر نیستند از دستاوردهای این نهضت دفاع کرده و از جعل دست بردارند. آنها سخنان محمد رضا شاه را در مورد "غائله آذربایجان" تکرار می‌کنند. برای آنها کشتار بیست هزار نفر هموطنان ما از مردم ستمدیده آذربایجان که در مقابل سرکوب ارتجاع آذری، فئودالها، روحانیت ارتجاعی، تجار کلان ایستاده بودند و اراضی فئودالهای آذری را به دهقانان دادند، سکوت کرده اند و حتی شما در زندگینامه مصدق نیز کوچکترین اظهار تاسفی از این کشتار هموطنان ما نمی‌بینید. به جز کمونیستهای ایران در قالب حزب توده ایران، بجز دموکراتهای اصیل ایران، به جز طبقه کارگر ایران و نیروهای ضد استعماری و ضد امپریالیستی در ایران کسی حاضر نشد از این نهضت عظیم در ایران و آسیا در بعد از جنگ جهانی دوم حمایت کند، برعکس مضمون دموکراتیک و دستاوردهای بزرگ این نهضت را در زیر خرواری از دروغ و اتهام مدفون کردند. جا دارد که در ۷۰ تا ۷۱ یک سالگی این نهضت آنرا بیاد آوریم و از آن پرچمی برای وحدت دموکراتیک خلقهای ایران، بر ضد ارتجاع حاکم، امپریالیسم و صهیونیسم و تفرقه افکنان تجزیه طلب نوکر بیگانه بسازیم.

برگرفته از توفان شماره ۲۰۲ بهمن ماه ۱۳۹۵ - ژانویه سال ۲۰۱۷

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)